

گفت و گو با دکتر هوشنگ امیراحمدی، رییس انجمن دوستی ایران و آمریکا:

## احتمال حمله نظامی بوش علیه ایران

مریم محمدی

**دکتر هوشنگ امیراحمدی** را همه با رابطه ایران و آمریکا می‌شناسند. او که رییس انجمن دوستی ایران و آمریکاست، چندی پیش بعد از ده سال و به دعوت محمود احمدی‌نژاد به ایران بازگشت. با هوشنگ امیر احمدی و چشم انداز او برای سال پیش رو گفت و گو کردیم.

**آقای امیراحمدی، با توجه به اینکه سفر تازه‌ای به ایران داشتید و نگاهی هم لابد از صحنه‌ای نزدیکتر به انتخابات؛ انتخابات را در ایران چطور دیدید؟**

متأسفانه در ایران انتخابات، هنوز خیلی جدی نیست. نه برای مردم، نه برای احزاب و نیروهای سیاسی مختلف. من فکر می‌کنم که انتخابات آزاد را باید یک پروژه ملی کرد. ولی متأسفانه در ایران، انتخابات یک پروژه ملی نیست. هنوز یک پروژه حزبی و گروهی و جناحی اینطور چیزها است.

**یا دولتی؟!**

بله، یا دولتی است. در واقع فرق نمی‌کند. جناح دولت، یا جناح غیر دولت.

**نتیجه این انتخابات را شما در فضای غیر سیاسی ایران، چقدر جدی می‌بینید؟**

ببینید، اولاً این مجلسی که الان دارد شکل می‌گیرد، خیلی متفاوت از مجلس قبلی نیست. حتی می‌شود گفت که این مجلس قدرتمندتر از مجلس قبلی است. یعنی نیروهای قوی‌تری در این مجلس هستند تا در مجلس قبلی. مثلاً آقای لاریجانی در این مجلس هستند. خب، وزنه‌هایی که در این مجلس هستند، سنگین‌تر هستند. این حسن را دارد.

اما متأسفانه در خارج از کشور چون اینطور دیده می‌شود که انتخابات آزاد نبوده است، غربی‌ها و آمریکایی‌ها؛ احتمالاً از این جریان استفاده خواهند کرد که فشار بیشتری به روی کشور و دولت بیاورند و این مجموعاً برای دموکراسی و جریان آزادی‌خواهی ایران، خوب نیست. یکی از مشکلات اساسی جامعه ایران هم همین است که از بیرون، فشار روی آن خیلی زیاد است. چون فشار خیلی زیاد است؛ نیروهایی که می‌توانند با فشار زندگی کنند، یا زیر فشار بمانند یا با فشار برخورد کنند، نیروهای امنیتی و نظامی، بیشتر قدرت می‌گیرند. نیروهایی که دموکراتیک‌تر هستند، رفورم‌طلب‌تر هستند، اصولاً نمی‌توانند در یک فضای امنیتی و نظامی جان بگیرند و قدرت بگیرند و رشد بکنند.

**آقای امیر احمدی، اگر مشخص‌تر راجع به نتایج تشکیل این مجلس بر رابطه بین ایران و آمریکا، بخواهید نظر بدهید، چه می‌گویید؟**

ببینید، من این را می‌توانم بگویم که این مجلس، مجلس سنگین‌وزن‌تری است و بنابراین در این مجلس، طرفداران آقای احمدی‌نژاد احتمالاً آنقدر قدرت نخواهند داشت که در مجلس قبلی داشتند. اما در عین حال این مجلس، مجلس محافظه‌کار هاست.

حالا یا از نوع آقای احمدی‌نژاد و یا آقای لاریجانی، به

لینکدونی

- نامه محمد ستاری‌فر، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی دولت خاتمی به احمدی‌نژاد
- سناتور آمریکایی: مذاکره با ایران را آغاز کردیم
- متن عهدنامه مرزی بین ایران و عراق بر اساس توافقنامه الجزایر در سال ۱۹۷۵
- بی نظیر یوتو، قربانی مذهب خشونت
- ترکمنستان بر خلاف توافق قبلی خواستار افزایش قیمت گاز است
- یوتو برای منطقه ما یک وزنه غیر قابل انکار بود
- ما هنوز به دنبال ماجراجو و قهرمان هستیم و نه سیاستمدار
- مسأله روح و انتخابات
- حداقل ۲۰ مورد خلاف علمی در گزارش احمدی نژاد
- احمدی نژاد تغییر کرده است

آخرین مطالب

- «اویاما می‌خواهد به مقام هم‌شان خودش نامه بنویسد»
- «میرحسین موسوی، قطب سوم انتخابات»
- اعلام رسمی نامزدی میرحسین موسوی
- «در مجلس هشتم، ظرف پنج روز بوجه تصویب می‌شود»
- «با سه نامزد اصلاح‌طلب، مستحق احمدی‌نژاد هستیم»
- «ایران با به رسمیت شناختن اسرائیل کنار نمی‌آید»
- ابیطی: شانس انتخاب شدن خاتمی زیاد است
- «نزدیکی به اویاما، کمک به اقتصاد روسیه است»
- «فضای باز امروز، محصول دوران آقای خاتمی است»
- اگر موسوی بیاید، معادلات در هر دو جبهه تغییر می‌کند

موضوعات

- اروپا
- ایران دیپلماتیک
- ایران و آمریکا
- ایران و اروپا
- ایران
- جهان
- حقوق بشر
- خاورمیانه
- دین و مذهب
- آمریکا
- اقتصاد
- انتخابات ایران
- برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی
- قفقاز و آسیای میانه

آرشیو ماهانه

- March 2009
- February 2009
- January 2009
- December 2008
- November 2008
- October 2008
- September 2008
- August 2008
- July 2008
- June 2008
- May 2008
- April 2008
- March 2008
- February 2008
- January 2008
- December 2007
- November 2007
- October 2007
- September 2007
- August 2007

July 2007 ■ هر حال یک مجلس محافظه‌کار است. نکته دوم، ممکن  
 June 2007 ■ است افرادی مثل آقای لاریجانی که در مجلس هستند،  
 May 2007 ■ بتوانند یک نرمشی در سیاست خارجی ایران بوجود  
 April 2007 ■ بیاورند. اما من اصولاً اعتقاد نداشتم و ندارم که آقای  
 March 2007 ■ احمدی‌نژاد مخصوصاً در رابطه با آمریکا، باعث تنش  
 February 2007 ■ شده است. احساس می‌کنم آقای احمدی‌نژاد هیچ تنشی با  
 January 2007 ■ آمریکا نداشته. مشکل او همیشه با اسرائیل بوده است. و  
 December 2006 ■ وقتی موضوع به اسرائیل می‌رسد، متأسفانه تمام نیروهای  
 November 2006 ■ ایران، از آقای لاریجانی تا آقای احمدی‌نژاد یکجور فکر  
 October 2006 ■ می‌کنند. اگر این مجلس بتواند نحوه برخورد خود را با  
 September 2006 ■ اسرائیل عوض بکند، آدم می‌تواند احساس بکند که فشار  
 August 2006 ■ کمتری روی ایران خواهد بود. ولی اگر همان مسیری را  
 برود که آقای احمدی‌نژاد رفته، در وضع تغییری ایجاد  
 نخواهد شد.

آقای امیر احمدی، نمی‌دانم شما با این فکر موافق هستید  
 یا نه. آنچه که ایران در رابطه با اسرائیل می‌گوید، بیشتر  
 شعار است و در حمایت از مردم فلسطین، هیچ جنبه  
 عملی ندارد و از آن بیشتر، هرچه هست در مورد  
 کشورهای عربی هم هست که آنها دوستان آمریکا هم  
 هستند و هیچکدام از آنها اسرائیل را به رسمیت  
 نشناختند. آیا کارشناسان سیاسی آمریکایی نمی‌دانند که  
 مساله در حد شعار و حرف است؟  
 مشکل ایران با اسرائیل، یک مشکلی است که دو طرف  
 دارند. ما متأسفانه طرف ایران را می‌بینیم، اما ما طرف  
 اسرائیل را که دارد با ایران چکار می‌کند، اصلاً فراموش  
 می‌کنیم. واقعیت این است که اسرائیلی‌ها خیلی با ایران  
 میانه خوبی نداشته‌اند. اسرائیلی‌ها خیلی روشن همیشه گفتند؛  
 که ایران خیلی بزرگ است و به شکل مستقیم و  
 غیرمستقیم، خواهان تجزیه ایران هستند. کمک‌های  
 مستقیمی به نیروهای مخالف حکومت کردند، طرفدار  
 براندازی هستند، طرفدار جنگ از طرف آمریکا علیه  
 ایران هستند.

هوشنگ امیراحمدی، رییس انجمن دوستی ایران و آمریکا

دولت ایران هم خب، در مقابل این نوع سیاست‌های  
 اسرائیل فقط توانسته حرف بزند. یک روزی با یکی از  
 سران حکومت صحبت می‌کردم و گفتم آقا، شما نمی‌شود  
 یک مقدار در این زمینه حرف کمتر بزنید و سر این  
 جریان، اینقدر تند حرف نزنید؟ برگشت و گفت حرف هم  
 نزنیم که نمی‌شود. همه‌ی کارها را که آنها می‌کنند و ما  
 فقط حرفش را می‌زنیم و اگر حرف هم نزنیم دیگر هیچ  
 چیز نخواهد آمد این وسط. هیچ بالانسی بوجود نخواهد  
 آمد.

بنابراین، حرف درست است. واقعیت آن است که ایران در  
 رابطه با اسرائیل هیچ پروژه عملی برای از بین بردن یا  
 جنگ با حکومت اسرائیل نداشته است. اما غیرمستقیم  
 مساله ایران و اسرائیل، همیشه یک مساله اساسی بوده  
 است. مخصوصاً از طریق حزب‌الله و حماس. آنها  
 حزب‌الله و حماس را تروریست می‌دانند و ایران نمی‌داند.  
 ایران فکر می‌کند - و من هم فکر می‌کنم به درستی - که  
 حماس و حزب‌الله دارند از کشور و ملت خودشان دفاع  
 می‌کنند.

**پس با این تصویری که شما می‌دهید، حل رابطه ایران و  
 آمریکا، چطور ممکن می‌شود؟**

اگر ایران خط دعوی خودش با آمریکا را به رسمیت  
 بشناسد، و بعد بیاورد در چارچوب آن برنامه‌ریزی کند و  
 بخواهد آن دعوا را خاتمه بدهد، می‌تواند. ولی راه اصلی  
 این است که اول ببذیرد که همه‌ی آمریکا را با یک چوب  
 نیاید براند. در آمریکا دو تا نیرو الان وجود دارند که در  
 رابطه با ایران، در مقابل هم هستند. یک نیرو که من  
 می‌گویم نیروهای طرفدار منافع ملی آمریکا، و به نیروی  
 دیگر می‌گویم طرفدار منافع ملی اسرائیل. معنای این

حرف این نیست که طرفداران منافع ملی آمریکا، منافع  
اسرائیل را نمی‌خواهند یا اسرائیلی‌ها، منافع آمریکا را  
نمی‌خواهند، بلکه بحث اولویت است.

ایران می‌تواند بین این دو تا نیرو در سیاست خارجی خود  
تفاوت بگذارد و با نیرویی که در این مقطع طرفدار منافع  
ملی آمریکا است، به سازش برسد. تمام زور خود را بزند  
و مسیرهایی پیدا کند که به این نیرو نزدیک بشود؛ و  
درمقابل هیچ کاری با آن یکی نیرو نداشته باشد. نه با آن  
دعوا بکند و نه با آن حرف بزند. ایران بیاورد یک سیاستی  
را پیش بگیرد که بگوید ما با نیروهای طرفدار منافع ملی  
آمریکا، کار می‌کنیم. هیچ مسأله‌ای با آنها نداریم.  
همینطور و به همین سادگی، این سیاست را هسته اصلی  
اساسی سیاست خارجی خود قرار دهد. من اعتقاد دارم که  
ایران موفق می‌شود مسائلی را در این چارچوب، با  
آمریکا حل بکند؛ و می‌تواند در این رابطه نیروهای را  
که نمی‌خواهند این مسأله حل بشود را، ایزوله کنند.

**شما چشم‌اندازی را برای این نوع تفکر در ایران، در میان  
اصولگرایان که به هرحال امروز دست بالا را دارند در  
حکومت، می‌بینید؟**

تصادفاً من می‌بینم! احساس من این است که حکومت  
احمدی نژاد، هیچ مسأله‌ای تا الان با آمریکا نداشته است.  
تمام بحثش اسرائیل بوده است. این البته چون متأسفانه،  
بصورت یک سیاست مطرح نبوده، همینطور شعاری  
بوده، برایش مشکل ایجاد کرده و آمریکایی‌ها را سردرگم  
کرده است! یعنی آمریکایی‌ها نمی‌دانند که چرا الان  
احمدی‌نژاد دنبال اسرائیل است که می‌خواهد آن را نابودش  
کند، هر چند که در حد حرف است و همانطور که خودتان  
هم گفتید، واقعاً اتفاق خاصی نمی‌افتد و نخواهد افتاد. اما  
همین حرف، یک بهانه‌ای شده در دست دشمنان ایران که  
بخواهند راه را بر آقای احمدی‌نژاد ببندند که به کاخ سفید  
نزدیک نشود. و الان بزرگترین مشکلی که دولت آقای  
احمدی‌نژاد دارد، همین است که راه او را به سوی کاخ  
سفید، سد کرده‌اند.

من می‌بینم که یک سیاستی در این رابطه، دارد در ایران  
شکل می‌گیرد و این سیاست جدید است و هیچوقت این  
سیاست نزدیکی به آمریکا و دوری از اسرائیل در ایران  
نبوده است. اما متأسفانه این سیاست، شعاری است. طرف  
آمریکایش اصلاً وجود ندارد؛ طرفداری از آمریکا، اصلاً  
حرفش زده نمی‌شود، درحالی‌که مخالفت با اسرائیل خیلی  
داد و فریاد و همراه با سروصدا است.

**آقای امیراحمدی، در این بحث انتخابات، آن طرف هم یک  
انتخاباتی داریم. به نوعی این خوش‌بینی وجود دارد که  
اگر دموکرات‌ها سرکار بیایند، راه حل رابطه ایران و  
آمریکا، هموارتر می‌شود. با توجه به نامزدهای حزب  
دموکرات، آقای اویاما به عنوان یک رنگین‌پوست و حتی  
خانم هیلاری به عنوان یک زن در آمریکا، چقدر شانس  
به قدرت رسیدن دارند؟**

ببینید، اگر فردا انتخابات در آمریکا برگزار می‌شد، به  
نظر من آقای اویاما از مک کین می‌برد. برای اینکه  
نیروهایی که این کشور را در اختیار دارند،  
(محافظه‌کارها) در یک وضعیت بسیار بدی قرار دارند.  
اقتصاد آنها بد است، سیاست خارجی آنها بد است،  
تصویری که از آمریکا در دنیا است، بسیار بسیار تصویر  
بد و منفی است و آمریکایی‌ها این را می‌دانند و می‌خواهند  
این تصویر به یک شکلی عوض بشود.

آمریکا، به یک شکلی، درست در مقطعی قرار دارد که  
بعد از جنگ با ویتنام قرار داشت. در آن زمان آدمی مثل  
کارتز را آوردند که لبخند می‌زد و از حقوق بشر حرف  
می‌زد و آمریکایی‌ها الان بدشان نمی‌آید که یک قیافه‌ای  
مثل اویاما را – که خود قیافه، یک تغییر است توی دنیا  
برای آمریکا – بیاورند وسط. اما از الان تا انتخابات، ما

حدود ۷ تا ۸ ماه داریم و این ۷-۸ ماه بسیار مهمی است. یکی از جاهایی که خیلی این جریان مهم است، در عراق است. الان مثلاً آقای مکین دارد سعی می‌کند که اینطور نشان بدهد که سیاست افزایش نیرو در عراق کار کرده؛ و ایشان چون طرفدار آن حرکت است، دارد برای خودش یک اعتباری کسب می‌کند. اگر واقعاً عراق ظرف ۷-۸ ماه آینده به یک ثباتی برسد، یا اقتصاد آمریکا، بتواند یک حرکت برگشتی بکند، آن وقت مک کین می‌تواند به عنوان کسی که قدرت بیشتری دارد و محافظه کار است و قلدترتر و نظامی‌تر است و اینها؛ در دل مردم آمریکا یک جایی پیدا بکند.

اما همه‌ی این اگرهایی که گفتم، واقعاً اگر هستند. برای اینکه واقعاً به این سادگی نیست که مساله عراق در ۷-۸ ماه آینده حل بشود، اقتصاد آمریکا برگشت مهمی انجام نمی‌دهد؛ و این خود این انتخابات را خیلی جالب و نتایج آن را به نظر من غیر قابل پیش‌بینی می‌کند. هر حادثه کوچکی می‌تواند اتفاق مهمی را ایجاد کند. یکی از نگرانی‌های من این است که در این چند ماه آینده دولت آقای بوش بخواهد خدای نکرده یک حرکت نظامی بر علیه ایران بکند.

#### شما این را محتمل می‌بینید؟

بله، من اصلاً این احتمال را کم نمی‌بینم. تصادفاً احتمال آن هست...

#### آخر به چه شکلی آقای امیر احمدی؟ ایران که افغانستان یا عراق نیست؟

نه، نه، ببینید هیچوقت، در دعوای نظامی بین ایران و آمریکا، بحث عراق و افغانستان نبوده است. آمریکا هیچوقت به شکلی که به عراق حمله نظامی کرد، به ایران حمله نمی‌کند. هیچوقت وارد خاک ایران نخواهد شد. این مخالفین حکومت که فکر می‌کنند که آمریکا می‌رود و تهران را می‌گیرد و آن را می‌دهد دست آقای رضا پهلوی و امثالهم؛ اینها خواب و خیال است. آمریکا یک قدم در خاک ایران نخواهد رفت. اما متأسفانه نیروی بسیار قدرتمندی دارد که می‌تواند از هوا خرابی‌های زیادی علیه ایران بکند. و این می‌تواند فجایع زیادی برای کشور، برای زیربناهای کشور و برای توسعه ملی به بار بیاورد. من بیشتر آن قسمت نگرانی را دارم.

#### آقای امیراحمدی، یعنی در آمریکا این دید وجود ندارد که با چنین حرکتی تکلیف رابطه ایران و آمریکا برای چند نسل دیگر هم به نوعی محتوم می‌شود؟ درحالی که گفته شده بود که از سرنگونی دولت مصدق عذرخواهی کرده‌اند.

بله، آمریکایی‌ها طرفدار منافع ملی آمریکا، نه می‌خواهند جنگ بکنند و از دعوای اینطوری، بسیار وحشت دارند و از کودتای علیه مصدق تجربه بدی گرفتند. اما آن نیرویی که منافع ملی آمریکا برایش در وهله دوم اهمیت قرار دارد و در آمریکا قدرت دارد و ما به اینها می‌گوییم «نیوکانس‌ها»، بخش وسیعی از اینها طرفدار اسرائیل هستند؛ بخش وسیع از آنها حتی از نیروهای راست بسیار مذهبی هستند. این نیروها اصلاً اهمیتی نمی‌دهند که رابطه‌ی ایران و آمریکا، نه ۵ سال و ۱۰ سال که ۱۰۰ سال، که صد هزار سال هم عقب بیفتند. آنها اصلاً نمی‌خواهند چنین کشوری وجود داشته باشد که حالا با آمریکا رابطه داشته باشد یا نداشته باشد.

ShareThis

دلال محبت بین آخوند ها و آمریکا!!!

آمریکا حداقل سر یک چیز به قطعیت رسیده است:

نظام آخوندی ایران به چند دلیل ارزش سرمایه گذاری ندارد

۱- فاقد پایگاه مردمی ( حمایت از این نظام بدتر از حمایت از شاه

است ) آمریکا روی مردم ایران حساب باز کرده

۲- این نظام رو ایلوژی های واپسگرا و خطرناک است

۳- آمریکا یک ایران مقتدر می خواهد که بتواند خاورمیانه را

کنترل کند آمریکا که تا بید نمی تواند در عراق نیرو نگه دارد. ولی

این نظام خاورمیانه را به آتش کشیده

-- بدون نام ، 2008 Mar 21

انرژی هستی حق مسلم ماست پنیر کره

-- انرژی ، 2008 Mar 22

به راستی که این دوست "ببون نام" ما گمان میکنند که آمریکا به فکر مردم ایران است. آمریکا دنبال منافع خودش هست و دلش به حال مردم ایران نمیسوزد. اگر داشتن "پایگاه مردمی" مهم بود، آمریکا اول باید به فکر مردم عربستان میبود، بعد مردم اردن و چین، بعد باقی شیخ نشینهای خلیج فارس و و ... بعد به فکر مردم ایران.

جالب اینجاست که این دوست ما، ایران را مسئول جنگهای

خاورمیانه میدانند. خنده داره!!! یعنی ایران مسئول حمله ی آمریکا

به عراق؟؟؟ یا مسئول اشغال لبنان و فلسطین به دست اسرائیل؟؟؟

یا مسئول دفاع لبنانها و فلسطینیها در برابر اشغال؟؟؟

-- امیر ، 2008 Mar 23

mamnon az aghdamate hamrah ba hosne niyate  
shoma dar morede iran va america ama ostade aziz  
america dar kenare hefze manafe melli khod  
hamchon iran be dosti motaghabel fi mabin  
niyazmandast laken alan in dosti dar hale hazer dar  
erse binol melal dar ghalebe naghshhe doshmani  
zohor yafte ast lehaza dargiri bine du sarzamin dar  
ghalebe taghire hakemiyat dar iran dar rastai taghire  
naghshha dar khavar miyane mibashad va dalile in  
takhir jai gozini doshmani jadid barai esraeil ast ta  
movazene hefz gardad

-- raof ، Apr 4, 2008

خیلی جالبه! آمریکا! با تمام قدرت هایی که میخواهند روی روی او  
بایستند مشکل دارد (روسیه - چین - عراق - کره شمالی - ایران  
و ... و به طور کلی تمام کشورهایی که به فکر استقلال هستند). بعد  
بعضی ها روی واژه هایی مانند اسلام و آخ. ند و ... گیر میدهند  
اینها همه بهانه آمریکاییها برای نفوذ در ایران است جنگ و بینتنام را  
ببینید. و بینتنام در کجای دنیا است؟ در جنوب شرقی آسیا. عجیب  
است که آمریکا به آنجا حمله کرده؟! نه آمریکا با هدف نفوذ به  
آسیای مرکزی و شرقی و قطع ارتباط چین ... به بینتنام حمله کرد  
یکی از دلایلی که آمریکا به عراق حمله کرد ایجاد امنیت بیشتر  
برای اسرائیل بود ... ولی ان شا الله با توکل به خدا خلیج فارس  
دریایی از خون آمریکاییها خواهد شد و این استکبار با دست روسیه  
به خاک سیاه میشیند . در جواب دوستمون که گفته "۳- آمریکا یک  
ایران مقتدر می خواهد که بتواند خاورمیانه را کنترل کند آمریکا که  
تا بید نمی تواند در عراق نیرو نگه دارد. ولی این نظام خاورمیانه  
را به آتش کشیده" باید بگویم زمان این حرف ها گذشته تاریخ ثابت  
کرد آمریکا یک ایران مقتدر را نمی خواهد که بتواند خاورمیانه را  
کنترل کند بلکه آمریکا یک ایران نوکر را می خواهد که بتواند  
خاورمیانه را کنترل کند اگر این نظام خاورمیانه را به آتش کشیده  
پس آمریکا که این همه لشکر کشی میکند دنیا را جهنم کرده .  
دبیر و بسایت اگر برای شما حقیقت مهم است نظر مرا تایید کنید.  
با تشکر

-- Jun 12, 2008 xxxxx

New Cons haa

نیو کانس ها!!!

جمع الجموم

-- بدون نام ، 2008 Jul 27

## نظر بدهید

(نظر شما پس از تایید دبیر وبسایت منتشر می‌شود.)

لطفاً به زبان فارسی کامنت بگذارید.

برای نوشتن به زبان فارسی می‌توانید از [ادیتور زمانه](#) استفاده کنید.  
کامنتهایی که حاوی اتهام، توهین و یا حمله شخصی باشد هرز محسوب می‌شود و منتشر نخواهد شد.

نام:

آدرس ایمیل: (نشانی ایمیلتان نزد ما مانده، منتشر نمی‌شود)

تغییر زبان

متن نظر:

بفرست

پیش‌نمایش بده